

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### آیا در این عصر ممکن است مسلمانان خلافت را تأسیس کنند؟

(ترجمه)

- جهان شاهد جنگ سخت و بی سابقه علیه سرزمین های اسلامی تحت عنوان "مبارزه با تروریسم" است که تمام دولت های جهان بدون استثناء در آن مشارکت دارند و به همین وسیله سرمایه های سرزمین های شان را غارت و تمام ارزش های شان را نابود می سازند.
- شاهد جنگ های نیابتی است که توسط مزدوران و رهبران جیره خوار ارتش اداره می شود که چیزی غیر از منافع استعمار نمی شناسند.
- استبداد، ظلم و ستم، گرسنگی و فقر وجود دارد و مردم را کسانی رهبری می کند که هرگاه صحبت نماید دروغ می گوید، هرگاه وعده کند، خلاف می نماید، هرگاه عهد و پیمان ببندد خیانت می کند و هرگاه دشمنی نماید، به فجور رو می آورد.
- چنانکه جهان شاهد حاکمیت دولت های بزرگ بر نظام سیاسی و اقتصادی مردم است که در میان شان کشمکش شدیدی برای کسب نفوذ و منافع وجود دارد.

تحت فشار واقعیت موجود یک سؤال ایجاد می شود که آیا در این عصر ممکن است مسلمانان خلافت را تأسیس کنند؟

آنچه موضوع را سخت تر می گرداند، این که خلافت یک دولت عادی نیست، بلکه به عنوان یک بدیل تمدنی است که وجود سرمایه داری را تهدید می کند و مبارزه با آن را یک مبارزه تمدنی می گرداند؛ مبارزه موجودیتی که جای قبولیت طرف مقابل نیست و مبارزه ای که جز با نابودی موجودیت طرف مقابل تمام نمی شود؛ زیرا مبارزه عقیدتی و ایدئولوژیک است.

اما آیا در واقعیت کنونی ممکن است خلافت تأسیس شود یا خیر؟

پیش از پاسخ، می خواهیم یادآور شوم که ما مسلمان هستیم و برای تأسیس خلافت در همه حال مکلف می باشیم. ما به الله واحدی ایمان داریم که نصرت به دست اوست؛ تمام امور به اوتعالی بر می گردد و هرگاه چیزی را اراده کند، فقط خطاب به آن می گوید: شو! و آن هم می شود. پس بر ما لازم است تا به او توکل کرده و عمل کنیم و الله متعال برای ما نصرت و تمکین را وعده فرموده است. الله متعال می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ  
وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ  
كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [سوره نور، آیه 55]

ترجمه: الله به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که آنان را قطعاً جایگزین (پیشینیان، و وارث فرماندهی و حکومت ایشان) در زمین خواهد کرد (تا آن را پس از ظلم ظالمان، در پرتو عدل و داد خود آبادان گردانند) همان گونه که پیشینیان (دادگر و مؤمن ملت های گذشته) را جایگزین (طاغیان و

یاغیان ستمگر) قبل از خود(در ادوار و اعصار دور و دراز تاریخ) کرده است(و حکومت و قدرت را بدانان بخشیده است). هم‌چنین آتین(اسلام نام) ایشان را که برای آنان می‌پسندد، حتماً(در زمین) پایرجا و برقرار خواهد ساخت، و نیز خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می‌سازد(آن چنان که بدون دغدغه و دلهره از دیگران، تنها) مرا می‌پرستند و چیزی را انبازم نمی‌گردانند. بعد از این(وعده راستین) کسانی که کافر شوند، آنان کاملاً بیرون شوندگان(از دایره ایمان و اسلام) بشمارند(و متمردان و مرتدان حقیقی می‌باشند).

سپس از دید آگاهی نسبت به واقعیت جهانی، نیازهای حاکمیت و دولت‌داری و آمادگی اسباب مورد نیاز برای هرکاری، در جایگاه نخست قوت‌های مادی و واقعیت‌های جهانی مد نظر قرار دارد. باید دانست که هدف بس بزرگ، دشمن نیز کلان و حيله و مکر کفار هم ناتمام است.

- برای پاسخ به این سوال باید مسایل ذیل مورد بررسی قرار گیرد:

**1- موقف جهانی:** هرگاه به موقف جهانی نظر اندازیم، تک‌روی و تسلط امریکا بر تضامیم جهانی و نظارت او را بر سازمان‌های بین‌المللی تحت این شعار که "هرکه با امریکا نیست، پس ضد امریکا است" در خواهیم یافت و این خصومت با دولت‌های جهان و تقدیم مصلحت امریکا بر منافع آن‌هاست که سبب کشمکش و رأی‌زنی در ناپود کردن روابط جهانی شده است تا جایی که هرکدام علیه دیگری حيله و مکر می‌کند و این حالت یک کشمکش جهانی را برای کسب نفوذ ایجاد کرده و این کشمکش در تمام نقاط جهان دیده می‌شود.

چنانکه در میان امریکا و چین و در میان امریکا و هم‌پیمانانش در پیمان ناتو کشمکش را می‌بینیم، به همین قسم روابط میان امریکا و روسیه چنان نابسامان و آشفته است که به حالت دشمنی رسیده است و در میان اروپا و روسیه دشمنی سخت دیده می‌شود.

از جانب دیگر، اخراج امریکا به عنوان رهبریت پیمان ناتو از افغانستان، اثراتی بسیار واضحی بر دولت‌های شامل پیمان ناتو و دیدگاه‌شان در مورد آینده این پیمان و بدیل اروپائی آن گذاشته است که این خود دلالت بر پارچه‌پارچه شدن این پیمان می‌کند.

هم‌پیمان شدن امریکا، انگلیس و استرالیا و معامله کشتی‌های جنگی زیردریایی که فرانسه آن را به عنوان ضربه نیزه بر پشت خود می‌شمارد و به زودی بر رابطه میان دولت‌های اتحادیه اروپا و بر رابطه آن با امریکا و خصوصاً رابطه فرانسه با انگلیس اثر خواهد گذاشت. چنانکه کشمکش جهانی را بر مناطق تحت نفوذ می‌بینیم که در جنگ‌های نیابتی و انقلاب‌های نظامی مجسم می‌شود.

این است موقف جهانی با آنچه از سر و صداها و نابسامانی‌ها و تعارض منافع و دشمنی که میان هم‌پیمانان وجود دارد.

**2- ایدئولوژی سرمایه‌داری حاکم در جهان:** جدایی دین از زندگی، منفعت را معیار اعمال قرار دادن، آزادی‌های بی‌قید و بند، آزاد شدن از تمام ارزش‌ها، نشر و پخش الحاد، تحلل و موارد شاذ و بی‌اساس سبب ایجاد جوامعی لجام گسیخته‌ای گردیده که امراض خطرناک اجتماعی از جمله قومی و نژادی، جریانات راست‌گرای افراطی و گروه‌های جنایت پیشه سازمان‌دهی

شده و مخدرات را به وجود آورده است. جوامع را پارچه‌پارچه ساخته، پیوند و ارتباط آن را مفقود نموده و جوامعی بی‌ارزش و ضعیفی گردانیده که توانایی مواجهه با بحران‌ها و چالش‌ها را ندارد.

ایدیولوژی سرمایه‌داری منفعت‌طلب با چوکات سیاسی دموکراسی و ازدواجیت معاییر آن و توجیه کردن وسیله به خاطر هدف، سبب ایجاد کشمکش‌های داخل جامعه و بین دولت‌ها گردیده است و ارزش‌های اخلاقی، انسانی و روحی ویران‌گری را به وجود آورده که ایشان را در لجنزاری از آلودگی‌های گندیده و متعفن غرق ساخته است. اساس فاسد این ایدیولوژی که اقتصاد خود را بر آن بنا نموده (ندرت نسبی) سبب ایجاد بحران‌ها شده و راه‌حل‌های عجیب و زشتی را به وجود آورده است و محصول آن سرمایه‌داران حریص و احتکارهای کشنده می‌باشد.

خلاصه سخن این که ایدیولوژی سرمایه‌داری مخزن شر و بدی‌ها و فاجعه وحشت‌بار برای مردم بوده و هر جا که قدم گذاشته نابودی، ویرانی و فساد را به وجود آورده و فقر، گرسنگی و بردگی را نشر و پخش نموده است. بحران‌های را به وجود آورده که نظم سرمایه‌داری را به طوفان مواجه ساخته و عجز آن را از حل مشکلات اقتصادی و امراض اجتماعی موجدش آشکار نموده و دولتی را نخواهی یافت، مگر این که بار سنگین قرض‌ها دوش آن را خم ساخته و امراض مختلف در آن منتشر گردیده است.

قطعا آزادی، دموکراسی، سکولاریزم و جهانی‌سازی - که به عنوان راه‌حل نمایانده می‌شود- خودش اصل مرض و اساس بلا می‌باشد.

### 3- **حالت امت اسلامی:** آن کس که به حال امت ببیند در می‌یابد:

- بیداری اسلامی در تمام سرزمین‌های اسلامی و بلند رفتن سطح آگاهی امت که توسط حادثات مختلف ساخته شده است.
- دشمنی با استعمارگر و ابزار آن.
- انقلاب‌های صورت گرفته در سرزمین‌های اسلامی - که خواهان تغییر حقیقی بوده- حکام را ضعیف ساخته و آرامش را از آنان سلب نموده و نفوذ استعمار را در پرتگاه هلاکت قرار داده است.
- خواهد دید که دیدگاه عمومی، قوی و مردمی برای فعالیت جهت تأسیس خلافت در تمام سرزمین‌های اسلامی و آرزوی زندگی در سایه خلافت و تحکیم شریعت مورد تأیید قرار دارد.
- حزب ایدیولوژیکی خواهد دید که بازگشت از سرگیری زندگی اسلامی را هدف قرار داده، با شعارهای فراخ و فریبنده متوقف نمی‌شود، برنامه اسلامی جامع و مفصلی را ترتیب داده، قانون و نظام‌های تفصیلی دارد که زندگی را با دقیق‌ترین تفصیلات داخلی و خارجی آن نظم می‌بخشد، قضایای مسلمانان را از هر کجا که باشند، برگزیده و اسلام جهانی را برای شان حمل نمود که به مرزها، رنگ‌ها و نژادها معترف و باورمند نیست و پیروانش را همانند رهبران و مردان صاحب دولت تربیت نموده و آنان را با ثقافت اسلام مسلح ساخته است، برای شان قدرت عجیبی در فهم سیاست و ادراک دولت با اقتدار و مدیریت عقیدتی و ایدیولوژیک ایجاد نموده است. چنان که تمام کفار و اجیرانش را به ترس و وحشت انداخته و آنان را با این دعوت‌گران در یک جنگی بدون نرمش و مدارا وارد ساخته است.

**خلاصه سخن:**

- ما در زمان کشمکش جهانی میان دولت‌های استعماری - که برای کسب منافع با هم خصومت شدید دارند - زندگی می‌کنیم.
  - ما در زمان سقوط ایدئولوژی سرمایه‌داری و عجز آن از حل مشکلات و سقوط ارزش‌ها و دولت‌های آن زندگی می‌کنیم.
  - ما در زمان سقوط راه‌حل نظامی برای سیطره بر مردم سرزمین‌ها زندگی می‌کنیم.
  - جوامع غربی و در رأس آن آمریکا را به عنوان دولت اول می‌بینیم که خودش در حال تجزیه و پراکنده شدن است و هیچ رابطه‌ی میان عناصر و ارزش‌های آن وجود ندارد، نژاد پرستی کشنده به صورت خطرناک در میان شان منتشر شده، جوامع شان بدون روابط و دوستی ضعیف گردیده و از اسباب زندگی چنان محروم اند که برای مسلمانان سابقه نداشته است.
  - حکام بی‌ریشه‌ای را می‌بینیم که تخت و تاج‌شان رو به انهدام است و تکیه‌گاه شان هم‌چو عصایی گردیده که کرم آن را پوسانده باشد.
  - در مقابل آن اسلام را در حال صعود می‌بینیم که مالک توانائی‌ها و قدرت‌هایی است که برای کفار سابقه نداشته، اگر در سایه‌ی خلافت راشده و رهبری مخلص و با اهلیت قرار گیرد.
  - فرصت طلایی را می‌بینیم که برای مسلمانان می‌گوید، این زمان شماسست که بر شما سایه انداخته است؛ پس با تمام توان و شجاعت تلاش کنید، دشمن خود را در تنگنا قرار دهید و خلافت خود را تأسیس نمائید. شرف و عزت به انتظار شماسست و شما صاحب آن هستید.
  - به خالق و مدبر کائنات ایمان داریم، کلید تمام امور به دست اوست، نصرت کننده‌ی دوستان و خوار کننده‌ی دشمنانش می‌باشد، وعده نموده و وعده‌اش حق است، حکم نموده و حکم او جدا کننده‌ی حق و باطل است.
- از الله سبحانه و تعالی می‌طلبیم تا دل مسلمانان را به طور عموم و اهل قدرت را به طور خصوص شرح نماید تا دین‌شان را نصرت دهند و خلافت‌شان را تأسیس نمایند، دست‌ان‌شان را به دست‌ان برادران‌شان در حزب التحریر بگذارند تا الله سبحانه و تعالی ما و ایشان را با شرافت گرداند و نصرت خود را بر دست‌ان ما و ایشان جاری سازد و در نتیجه به عزت دنیا و کرامت آخرت کامیاب گردیم.

نویسنده: شیخ سعید رضوان أبو عواد (أبو عماد)

مترجم: احمد صادق امین